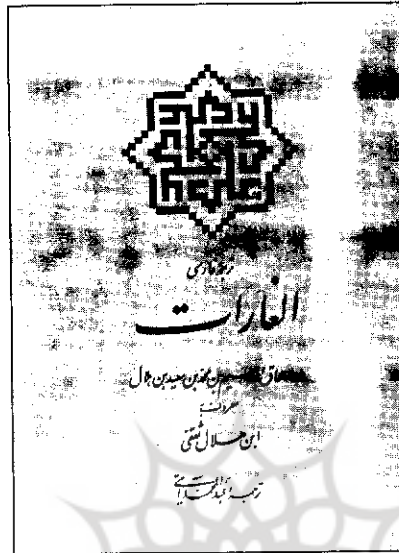


مروری بر کتاب الغارات



○ الغارات

- تألیف: ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (ابن هلال ثقفی)
- ترجمه: عبدالمحمد آیتی
- ناشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.

○ خدیجه عالمی

ادامه یافته است. (الغارات، صص ۲۷ - ۷۳) خبر مصر نیز عنوانی است که در بخش اول ذکر شده و مطالب زیر را در بر گرفته است:

- حکومت قیس بن سعد بن عباده انصاری در مصر، عزل قیس از مصر و امارت محمد بن ابوبکر، رفتن محمد بن ابوبکر به مصر، مطالبی درباره نماز - وضو - روزه و اعتکاف، داستان محمد بن ابی بکر، خبر قتل مالک اشتر و امارت مصر، فرستادن عمرو بن عاص به مصر از سوی معاویه، کشته شدن محمد بن ابی بکر، رسیدن خبر قتل محمد بن ابی بکر به علی (ع) نامه علی (ع) به یاران خود، داستان مرج مرینا، کشته شدن محمد بن ابی حذیفه بن عتبّه بن ربیعّه بن عبد شمس و خبر بنی ناجیه (الغارات، صص ۷۳ - ۱۳۶)

بخش دوم کتاب الغارات، با ذکر خبر عبدالله بن عامر حضرمی در بصره آغاز می‌شود. (الغارات، صص ۱۳۹ - ۱۵۴) سخن علی (ع) درباره کوفه از جمله مطالب مهمی است که در این بخش ذکر شده است. (الغارات، صص ۱۵۵) ثقفی به تاختن ضحاک بن قیس و رویارویی حجر بن عدی با او و همچنین به ذکر مطالبی از علی (ع) درباره شهادت آن حضرت توجه کرده است. (الغارات، صص ۱۵۷ - ۱۶۷) مطالب بعدی این بخش شامل ذکر حمله

منبع ارزشمندی درباره علی (ع) و مخالفین وی به شمار آورد.

نوع نگارش الغارات براساس حوادث است. به عبارتی هر حادثه تحت عنوانی جداگانه، مورد بحث قرار گرفته است. ثقفی به عامل زمان توجهی نکرده و در ذکر مطالب، تنها نام حادثه را سرفصل قرار داده است. وی تنها به نقل اطلاعات و روایات اکتفا کرده و هیچگونه تحلیلی از مطالب ارائه نداده است. به عبارتی وی از ابراز نظر و عقیده خودداری کرده است.

از سوی دیگر هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه ثقفی از منابع سلف خود استفاده کرده باشد در الغارات دیده نمی‌شود و تمامی روایت‌ها با ذکر «فلان بن فلان گوید» آغاز می‌شود.

الغارات شامل دو بخش است و هر بخش دارای فصول متعددی است. ثقفی قبل از آغاز بخش اول، در بحث کوتاهی به علی (ع)، معاویه و اهل شام بعد از نبرد خوارج پرداخته و سپس اولین موضوع بخش اول الغارات را با عنوان غتی و باهله (نام دو قبیله) ذکر کرده است. (الغارات، صص ۲۵ - ۲۷)

مطالب بعدی بخش اول با ذکر ورود علی (ع) به کوفه، روش علی (ع) در بیت‌المال، رفتار علی (ع) با کارگزاران خود، خطبه امیرالمؤمنین علی (ع) و نامه علی (ع) به معاویه

ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی در سال ۲۰۰ هجری قمری در کوفه چشم به جهان گشود و در سال ۲۸۳ هـ. ق در اصفهان رحلت کرد. وی ابتدا به مذهب زیدی و سپس به مذهب امامیه گروید. ثقفی تألیفات بسیاری داشته است. برخی شمار تألیفات او را پنجاه اثر ذکر کرده‌اند که از آن جمله می‌توان الغارات، کتاب المعرفة، کتاب الحلال و الحرام و کتاب مقتل امیرالمؤمنین را نام برد. (الغارات، مقدمه مترجم، صص ۹)

از میان کتب ثقفی، تنها کتاب الغارات بر جای مانده است که با تصحیح استاد محدث ارموی در سال ۱۳۵۵ توسط انجمن آثار ملی به چاپ رسید. چاپ دیگر این اثر با تصحیح عبدالزهراء حسینی در سال ۱۴۰۷ در بیروت منتشر شده است.

الغارات از مهم‌ترین تألیفات ابن هلال ثقفی است که در آن تصویری جامع از وقایع دوران حکومت علی (ع) به دست داده است. وی برخلاف دیگر منابع، به نبردهای دوره خلافت علی (ع) اشاره‌ای نکرده است. به نظر می‌رسد هدف وی ذکر مطالبی بوده که در دیگر منابع، کمتر بدان توجه شده است. ثقفی از ارائه یک تاریخ عمومی پرهیز کرده و با مختصر کردن موضوع کتاب، به نوعی یک تک‌نگاری انجام داده است. به همین دلیل می‌توان الغارات را

الغارات از مهم‌ترین تألیفات ابن هلال ثقفی است که در آن تصویری جامع از وقایع دوران حکومت علی (ع) به دست داده است. وی برخلاف دیگر منابع، به نبردهای دوره خلافت علی (ع) اشاره‌ای نکرده است. به نظر می‌رسد هدف وی ذکر مطالبی بوده که در دیگر منابع، کمتر بدان توجه شده است.

ثقفی از ارائه یک تاریخ عمومی پرهیز کرده و با مختصر کردن موضوع کتاب، به نوعی یک تک‌نگاری انجام داده است.

به همین دلیل می‌توان الغارات را منبع ارزشمندی درباره علی (ع) و مخالفین وی به شمار آورد



نعمان بن بشیر انصاری برعین تمر و مالک بن کعب ارحبی، قضیه دومة الجندل و داستان ابن عُشبه و حمله سفیان بن عوف غامدی بر انبار می‌باشد. (الغارات، صص ۱۶۹ - ۱۹۵)

ابن هلال ثقفی به عیبجویان و دشمنان علی (ع) نیز توجه کرده و افرادی مانند عمروعاص، مغیره بن شعبه و ولیدبن عُقبه را از جمله دشمنان علی (ع) ذکر کرده است. (الغارات، صص ۱۹۵ - ۱۹۶) ذکر نام اشخاصی که از علی (ع) جدا شدند نیز از جمله مطالب بخش دوم الغارات است که ثقفی نام این افراد را به ترتیب چنین ذکر کرده است: مُنذر بن جارود عبدی، یزید بن حُجیه، هجنع عبدالله بن عبدالرحمان، قعقاع بن ثور نجاشی شاعر، عقیل بن ابی طالب، حنظله کاتب، ابوبرده پسر ابوموسی اشعری، ابوعبدالرحمان سلمی، ابوهزیر، قریش و بنی‌امیه، قبیسه بن دؤیب، عروة بن زبیر، ضمری، سعیدبن مسیب، عمر بن ثابت و مکحمول (الغارات، صص ۱۹۷ - ۲۱۱)

حرکت بسربن ابی اریطه و حمله او بر مسلمانان و اهل ذمه، حرکت جاریه بن قدامه، داستان وائل بن حُجر حضرمی و آمدن عبیدالله بن عباس و سعیدبن نمران نزد علی (ع) در کوفه، مطالب پایانی بخش دوم کتاب را تشکیل می‌دهد. (الغارات، صص ۲۱۵ - ۲۳۷).

با نگاهی به مطالب فصول مختلف الغارات، اهداف ثقفی از ارائه هر فصل کتاب آشکار می‌شود. وی در فصل اول با ذکر عنوان «آمدن علی (ع) به کوفه» میزان سرپیچی یاران علی (ع) را در نبرد علیه معاویه نشان می‌دهد و با ذکر نمونه‌های متعددی از روش علی (ع) در بیت‌المال، سعی در ارائه نحوه زندگی علی (ع) دارد. (الغارات، صص ۲۷ - ۷۳)

وی پس از ذکر ویژگی‌های اخلاقی علی (ع) در زندگی شخصی و حکومتی، بلافاصله به جریان قتل عثمان و سپس انتخاب علی (ع) به خلافت پرداخته است. (الغارات، صص ۷۳ - ۱۳۶) ثقفی به این جریان‌ها به طور گذرا اشاره کرده و بدون هیچگونه توضیحی به سراغ جریان مصر می‌رود. شاید بتوان گفت ثقفی به اهمیت مصر در دوره علی (ع) پی برده و درصدد نشان دادن این اهمیت بوده است. کشته شدن محمدبن ابی‌بکر و سپس مالک اشتر (کارگزاران علی (ع) در مصر) نشان دهنده اهمیت فراوان این منطقه برای معاویه است. (الغارات، صص ۷۳ - ۱۳۶).

ذکر تاختن ضحاک بن قیس به کوفه، حمله نعمان بن بشیر انصاری بر عین تمر و شکایت‌های علی (ع) از جمله مواردی است که ثقفی بدان اشاره کرده و هدفش ارائه اسنادی در

اثبات سستی یاران علی (ع) است. (الغارات، صص ۱۵۷ - ۱۹۵).

فصول پایانی بخش دوم الغارات درباره «عیبجویان علی (ع)»، کسانی که از علی (ع) جدا شدند» و «حرکت بسربن ابی اریطه می‌باشد، (الغارات، ۱۹۶، ۲۳۷)

ثقفی جنایت‌های بسربن ابی اریطه را نسبت به شیعیان علی (ع) به طور مفصل مورد بحث قرار داده است. هدف او از ارائه این مطالب همانند فصول قبل نشان دادن تنهایی و مظلومیت علی (ع) است.

نگاه عمیق به مطالب کتاب، اهداف ابن‌هلال ثقفی را در نگارش الغارات روشن‌تر خواهد کرد. بدین منظور بررسی فصول کتاب ضروری به نظر می‌رسد.

بخش اول الغارات با جریان عنی و باهله آغاز شده است. این دو قبیله برای پیروزی دشمنان علی (ع) دست به دعا برداشته بودند. علی (ع) قسم یاد کرد که «آنان بهره‌ای از اسلام نبرده‌اند و اگر جای پا استوار کنم، قبیله‌ای را به قبیله دیگر بازمی‌گردانم و نسب‌نامه شصت قبیله را که در اسلام نصیبی نداشته‌اند باطل خواهم کرد.» (الغارات، صص ۲۶)

در فصول بعدی بخش اول، ثقفی نمونه‌های متعددی از ناله‌های علی (ع) را نسبت

به یارانش ذکر کرده است. علی (ع) به یاران خود می‌فرمود: «دلخسته‌ام از شما، این شیوه همیشه شماست.» (الغارات، ص ۲۷).

ثقفی در این مورد نمونه دیگری از سخنان علی(ع) را ذکر کرده که فرمودند: «در شگفتم از شما و از مردم شام. مردم شام، امیرشان خدا را معصیت می‌کند و آنان از او اطاعت می‌کنند؛ و امیر شما خدا را اطاعت می‌کند و شما فرمانش نمی‌برید. اگر گویم که به جنگ دشمنان روید، گوئید: سرما نمی‌گذارد. آیا نمی‌بینید که دشمن شما مانند شما نیست که از سرما بترسد.» (الغارات، صص ۳۰-۳۱).

ثقفی پس از ذکر سخنان علی(ع) درباره یارانش، با ظرافتی خاص بلافاصله به شیوه رفتار آن حضرت در ارتباط با بیت‌المال پرداخته و نمونه‌های جالب توجهی ارائه داده است. وی با ارائه این مطالب، علت مخالفت یا

علی(ع) را کاملاً آشکار کرده است. ثقفی می‌نویسد علی(ع) از اینکه مردم از نزد او می‌گزیند نزد مالک اشتر شکوه کرد. مالک اشتر گفت: «یا امیرالمؤمنین ما با مردم بصره به نیروی مردم بصره و مردم کوفه پیکار کردیم. در آن زمان مردم همه یک رای داشتند و سپس میان‌شان اختلاف افتاد و دشمنی آغاز کردند و ایمان‌شان به سستی گرایید و شمارشان روی به کاهش نهاد، زیرا تو آنان را به عدالت بازخواست می‌کنی و به حق عمل می‌نمایی و حق فرومایه از صاحب سرمایه می‌ستانی و آن صاحب سرمایه را بر آن فرومایه برتری نمی‌دهی... اما بخشش‌های معاویه همه به مالداران و اشراف است.» (الغارات، ص ۳۷).

ذکر این مطلب زیرکی و دقت نظر ثقفی را به خوبی آشکار می‌کند. وی برای اثبات حقانیت علی(ع) از نظریات و عقاید خود بهره نمی‌جوید بلکه سندی ارائه می‌دهد که جای هیچگونه سوآلی در آن باقی نمی‌گذارد.

ابن هلال ثقفی پس از ذکر رفتار علی(ع) با مردم، به طور موشکافانه وارد زندگی آن حضرت شده و آن را به خوبی به تصویر می‌کشد. او می‌نویسد علی(ع) به بازار می‌آمد و می‌گفت:

ثقفی در کتاب «الغارات» به نبردهای دوره خلافت علی(ع) اشاره‌ای نکرده است. به نظر می‌رسد هدف وی ذکر مطالبی بوده که در دیگر منابع، کمتر بدان توجه شده است

نوع نگارش الغارات براساس حوادث است. به عبارتی هر حادثه تحت عنوانی جداگانه، مورد بحث قرار گرفته است. ثقفی به عامل زمان توجهی نکرده و در ذکر مطالب، تنها نام حادثه را سرفصل قرار داده است

هیچ نشانه‌ای مبنی بر اینکه ثقفی از منابع سلف خود استفاده کرده باشد، در الغارات دیده نمی‌شود و تمامی روایت‌ها با ذکر «فلان بن فلان گوید» آغاز می‌شود

«ای بازاریان از خدا بترسید و حذر کنید... هر آینه تاجر فاجر است مگر آنکه به حق بخرد و به حق بفروشد» (الغارات، صص ۴۴-۴۵) رابطه علی (ع) با کارگزاران خود از جمله مطالب دیگری است که ثقفی بدان اشاره کرده است. (الغارات، ص ۴۸) وی تلاش کرده با ذکر سخنان علی(ع) درباره ایمان، عدل، جهاد، کفر، شک و شبهه، خودپسندی و... برتری علم علی(ع) را نسبت به دیگران، آشکارا کند. (الغارات، صص ۵۱-۶۶).

ثقفی پس از بازگویی مطالبی درباره شخصیت علی(ع) و اثبات حقانیت وی در علم و شایستگی آن حضرت در اداره حکومت اسلامی، به ذکر شواهدی درباره دسیسه چینی‌های معاویه در جذب یاران علی(ع) می‌پردازد. (الغارات، صص ۷۶، ۷۸)

وی برای آشکار کردن این مطلب به اوضاع مصر و کارگزاران علی(ع) در آنجا اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که حکومت کارگزاران علی(ع) در مصر برای معاویه بسیار گران بود؛ زیرا مصر به شام نزدیک بود و معاویه از ورود علی(ع) به شام نگران بود. (الغارات، ص ۷۶) معاویه تلاش‌های متعددی در جلب قیاس نمود و او را به خونخواهی

عثمان ترغیب کرد. (الغارات، صص ۷۶-۷۷) اما پس از دریافت جواب منفی از سوی قیاس (کارگزار علی(ع)) در مصر در میان مردم شام شایعه نمود که قیاس با معاویه صلح کرده است. (الغارات، ص ۷۸) به دنبال این شایعه قیاس عزل گردید و محمدبن ابی‌بکر به مصر فرستاده شد. (الغارات، ص ۸۲)

ثقفی همچنین به این واقعه اشاره می‌کند که وقتی محمدبن ابی‌بکر کشته شد نامه‌های علی(ع) که در نزد او بود به دست عمروعاص افتاد. عمروعاص آن نامه‌ها را نزد معاویه فرستاد. معاویه به نامه‌ها می‌نگریست و از خواندن لذت می‌برد. ولیدبن عقبه که در نزد او بود، وقتی شگفتی معاویه را دید گفت: بفرمای تا این سخنان را بسوزانند. معاویه گفت:

نمی‌گوئیم که این از نوشته‌های علی بن ابی‌طالب است، بلکه می‌گوئیم از نوشته‌های ابوبکر صدیق است که در نزد پسرش محمد بود. این نوشته‌ها پیوسته در خزاین بنی‌امیه بود تا زمانی که عمرین عبدالعزیز به حکومت رسید. وی این امر را فاش کرد و اظهار داشت این سخنان از علی بن ابی‌طالب است. (الغارات، ص ۹۲).

ثقفی با ذکر این مطلب، اعتراف دشمنان علی(ع) را نسبت به علم آن حضرت آشکار کرده است. وی می‌گوید معاویه تلاش خود را همچنان در تصرف مصر ادامه داد تا زمانی که مالک‌اشتر از جانب علی(ع) به مصر فرستاده شد و بالاخره معاویه با کشتن مالک اشتر به آرزوی خود رسید. (الغارات، ص ۹۵)

ثقفی درباره اوضاع مصر به وضعیت سیاسی آن نیز پرداخته است. هدف وی نشان دادن رقابت معاویه برای تسلط بر مصر است؛ به همین منظور تنها به وضعیت سیاسی آن منطقه و به‌ویژه به کارگزاران علی(ع) در مصر توجه کرده و این خبر را با کشته شدن مالک اشتر (آخرین کارگزار علی(ع) در مصر) توسط معاویه به پایان برده است. ثقفی اخبار مربوط به مالک اشتر را در فصل دیگری با عنوان داستان مرج مرینا ادامه داده است. (الغارات، ص ۱۱۷).

وی به پراکندگی یاران علی(ع) پس از قتل محمدبن ابی بکر اشاره کرده و سپس به امارت

ابن هلال ثقفی از همان ابتدای کتاب،
 درصدد ارائه میزان مخالفت‌های دشمنان علی(ع) بوده است.
 از سوی دیگر در لابه‌لای مطالب کتاب، نمونه‌های متعددی
 از روایات مختلف که حاکی از حقانیت و
 شایستگی علی(ع) است دیده می‌شود. بنابراین می‌توان اظهار داشت؛
 الغارات نه تنها منبع بسیار ارزشمندی در شناخت علی(ع)
 و مخالفان آن حضرت است بلکه جزو مهم‌ترین تک نگاری‌ها
 در شناخت تاریخ اسلام نیز می‌باشد

مالک اشتر در مصر و درگیری مالک‌اشتر با
 ضحاک بن قیس پرداخته است. (الغارات، صص
 ۱۱۷-۱۱۸).

به نظر می‌رسد ثقفی در نوشته‌های خود،
 ترتیب وقایع و زمان را رعایت نکرده است و آنچه
 از فهرست مطالب برمی‌آید، نشان می‌دهد که او
 بر اساس وقایع و اتفاقات، فصول کتاب را طراحی
 کرده و مباحث را در کنار هم قرار داده است. وی
 در فصل دیگر که قسمت پایانی بخش اول
 الغارات است به کشته شدن محمدبن ابی حذیفه
 پرداخته است. وی علی‌رغم اینکه عنوان این
 فصل را «محمدبن ابی حذیفه» قرار داده است اما
 جز اشاره مختصر به این جریان، مطلب دیگری
 ذکر نکرده و بلافاصله به ذکر خبر بنی‌ناجیه و
 سرپیچی خربت بن راشد از علی(ع) در نبرد
 صفین پرداخته است. (الغارات، صص ۱۱۹ -
 ۱۳۶)

اگر چه فصل پایانی بخش اول الغارات
 شامل نامهٔ معقل بن قیس بن علی(ع) است اما
 ثقفی در این فصل نیز به خبر بنی‌ناجیه و
 خربت‌بن راشد پرداخته است. (الغارات، صص ۱۳۰)
 بخش دوم کتاب الغارات با ذکر خبر عبدالله
 بن عامر حضرمی در بصره، (الغارات، صص ۱۳۹) و
 تاختن ضحاک بن قیس و رویارویی حجر بن
 عدی با او آغاز می‌شود. (الغارات، صص ۱۵۷).
 فصل بعدی بسیار کوتاه و تنها شامل سه روایت
 از علی(ع) دربارهٔ شهادت خویش است. (الغارات،
 صص ۱۶۶).

مطالب بعدی بخش دوم الغارات را حمله
 نعمان بن بشیر انصاری بر عین تمر، مالک بن

کعب ارحبی، قضیهٔ دومة الجندل، داستان ابن
 عُشبه، حملهٔ سفیان بن عوف غامدی بر انبار و
 حملهٔ یزیدبن شجرةٔ رهاوی بر مردم مکه،
 تشکیل می‌دهد که نویسنده تحت عناوین
 جداگانه به آنها پرداخته است. (الغارات، صص
 ۱۶۹-۱۹۳)

مؤلف در فصل بعدی، به بحث ویژه‌ای
 پرداخته که تحت عنوان «عیبجویان و دشمنان
 علی(ع)» مشخص شده است. وی در این فصل
 عمروعاص، مغیره بن شعبه و ولیدبن عقبه را به
 عنوان دشمنان علی(ع) معرفی کرده است.
 (الغارات، صص ۱۹۵-۱۹۶) پس از آن به معرفی
 افرادی که از علی(ع) جدا شدند پرداخته است.
 (الغارات، صص ۱۹۶-۲۱۳) با توجه به اسامی
 ذکر شده در این دو فصل، به نظر می‌رسد مؤلف
 تنها درصدد ذکر اسامی افراد سرشناس و
 متشخص بوده است.

حرکت سربین اوطاة و حملهٔ او بر مسلمانان
 و اهل ذمه فصل پایانی بخش دوم را تشکیل
 داده است. (الغارات، صص ۲۱۵-۲۳۷) ثقفی
 این عنوان را به طور مفصل مطرح کرده و به
 خوبی قصد نهایی معاویه را در امر نابودی یاران
 علی(ع) به تصویر کشیده است.

ابن هلال ثقفی از جمله مورخانی است که
 به مطالب جدید پرداخته است. وی علی‌رغم
 داشتن مذهب تشیع و طرفداری از علی(ع)، در
 هیچ یک از فصول کتاب خود به اظهار عقیده و
 جانبداری از مذهب خویش نپرداخته است. او
 بسیار زیرکانه، روایاتی را ارائه می‌دهد که نشانگر
 حقانیت و برتری علی(ع) است؛ به طوری که در

ذهن خواننده هیچگونه شک و شبهه‌ای باقی
 نمی‌گذارد.

به نظر می‌رسد وی براساس اتفاقات مهم،
 فصول کتاب را ترتیب‌بندی کرده است؛ لیکن
 مطالب جدیدی نیز در این کتاب به چشم
 می‌خورد که هیچ ارتباطی به فصول قبلی از
 لحاظ تاریخی و زمانی ندارد. ذکر «سخنان
 علی(ع) دربارهٔ شهادت خویش، از جمله مطالبی
 است که پس از بحث تاریخی «ضحاک بن قیس
 و رویارویی او با حجر بن عدی» ذکر شده است.
 (الغارات، صص ۱۵۷-۱۶۷)

چنانکه از فهرست مطالب کتاب برمی‌آید،
 مؤلف درصدد ارائه اطلاعات تکراری نبوده است.
 شاهد این مطلب را می‌توان در بخش اول الغارات
 یافت. وی در بحث قتل عثمان و انتخاب
 علی(ع) به خلافت، تنها به ذکر و اشارهٔ آن
 بسنده کرده و بدون هیچگونه توضیح اضافی، به
 مطالب دیگر پرداخته است. (الغارات، صص ۷۳ -
 ۱۳۶)

ابن هلال ثقفی از همان ابتدای کتاب،
 درصدد ارائه میزان مخالفت‌های دشمنان
 علی(ع) بوده است. از سوی دیگر در لابه‌لای
 مطالب کتاب، نمونه‌های متعددی از روایات
 مختلف که حاکی از حقانیت و شایستگی
 علی(ع) است دیده می‌شود. بنابراین می‌توان
 اظهار داشت؛ الغارات نه تنها منبع بسیار
 ارزشمندی در شناخت علی(ع) و مخالفان آن
 حضرت است بلکه جزو مهم‌ترین تک نگاری‌ها
 در شناخت تاریخ اسلام نیز می‌باشد.